

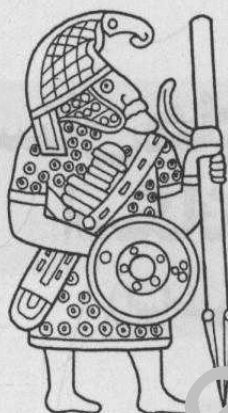
داستان‌های کهن اسکاندیناوی

(اساطیر اسکاندیناوی)

نیل گیمن

ترجمه: جواد همایون پور





سرشناسه : گیمن، نیل، ۱۹۶۰ - م Gaiman, Neil

عنوان و نام پدیدآور : داستان‌های کهن اسکاندیناوی انیل نیل : جواد همایون: بور.

مشخصات نشر : انتشارات یوبان، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۲۷۲ ص.

شابک : 978-600-8349-39-6

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : عنوان اصلی: Norse mythology, 2017.

موضوع : اساطیر اسکاندیناویایی

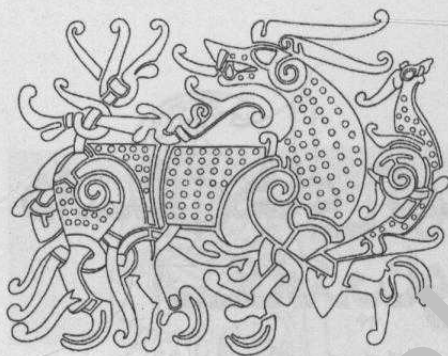
موضوع : Mythology, Norse

شناسه افزوده : همایون پور، جواد، ۱۳۶۲ - مترجم

رده بندی کنگره : ۱۳۹۶ گ ۲۵۹/۲۸۶ BL

رده بندی دیویی : ۲۹۳/۱۳

شماره کتابشناسی ملی : ۴۹۴۰۳۱۲



داستان‌های کهن اسکاندیناوی

توجه: همایون پور

نیل گیمن

چاپ: کامیاب

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۴۹-۳۹-۶

ISBN:978-600-8349-39-6

انتشارات یوبان

مشهد، صندوق پستی ۹۱۷۵۵-۳۳۳

تلفن: ۰۹۱۵۵۷۱۸۲۷۷

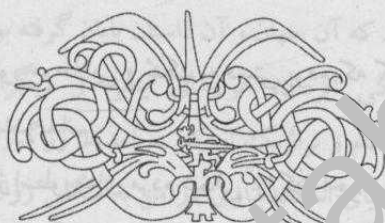
قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

فهرست



۷	 مقدمه
۱۷	 شخصیت‌های داستان
۲۳	 پیش از آغاز و پس از آن
۳۱	 ایگدرازیل و نه جهان
۳۵	 سر میمیر و چشم آدین
۳۹	 گنجینه‌های ایزدان
۵۷	 استاد معمار
۷۷	 فرزندان لوکی
۹۳	 ازدواج نامعمول فرایا
۱۰۹	 باده‌ی شاعران
۱۳۵	 سفر تور به سرزمین غولان
۱۶۱	 سیب‌های جاودانگی
۱۶۲	 داستان جرد و فرای
۱۹۱	 ماهیگیری هیمیر و تور
۲۰۹	 مرگ بالدر
۲۲۹	 آخرین روزهای لوکی
۲۴۵	 راگناروک: سرنوشت پایانی ایزدان
۲۶۱	 واژه‌نامه

مقدمه



انتخاب کردن یک مجسمه سه سره که دلخواه و باب دل‌مان باشد کار آسانی نیست، هم‌چنان که آسان نیست این برتری را به یک سبک آشپزی بدهیم - بعضی شب‌ها غذای تایلندی، روس می‌آیم، بعضی شب‌ها سوشی، بعضی شب‌ها هم همان غذاهای خانگی ساده، روسی خواهیم که با آن‌ها بزرگ شده‌ایم - ولی من اگر ناچار باشم یک مجسمه سه سره سطوره را از میان دیگران برگزینم، آن یکی به احتمال خیلی زیاد اسطوره‌ای اسکاندیناوی^۱ خواهد بود.

اولین آشنایی من با آسگارد^۲، منزلگاه ایزدان و ساکنانش به کودکی من برمی‌گردد، وقتی هفت سال بیشتر نداشتم و ماجراهای تور^۳ نیرومند را می‌خواندم که هنرمند تصویرساز آمریکایی، جک کربی^۴ آن را کشیده

-
1. Scandinavia
 2. Asgard
 3. Thor
 4. Jack Kirby

بود، طرح داستانی آن توسط کربی و استن لی^۱ و گفتگوهای آن توسط برادر استن لی، لری لیبر^۲ نوشته شده بود. توری که کربی کشیده بود نیرومند و خوش قیافه و خوش اندام بود، آسگاردش یک شهر علمی تخیلی از برج‌ها و آسمان‌خراش‌های شگرف و سر به آسمان کشیده بود، اُدین^۳ او آرام و فرزانه، و لوکی^۴ او موجودی با کلاهخود شاخدار و یک آشوبگر ناب بود.

من عاشق آن تورِ موطلائی و پُتک به دستی بودم که کربی کشیده بود، می‌خواستم از او بشتر بدانم. من یک نسخه از اسطوره‌های مردم شمالی^۵ را که راجر لنسلین گرین^۶ نوشته بود گرفتم و با لذت، سنگینی چند بار خواندم: در این کتاب آسگارد، منزلگاه ایزدان با آن شهر پیشرفته‌ای که کربی آف‌یده بود، خیلی فرق داشت و حالا آسگارد همانند یک تالار وایکینگ^۷ در برهوتی یخ‌زده بود که مجموعه‌ای از بناها را در بر داشت؛ اُدین، پدر همگان دیگر آن ایزد آرام، فرزانه و خوددار نبود، بلکه حالا زودخشم، باهوش، شناخت‌ناپذیر و خطرناک شده بود؛ تور با پُتکش در این جا به همان اندازه‌ی تور آفریده‌ی کربی نیرومند بود، ولی او... خوب، اگر راستش را بخواهید دیگر هرگز در میانه ایزدان باهوش جایی نداشت؛ لوکی هم دیگر الگو و سرمون شرارت نبود، اگر چه روش بود که او نیرویی نیست که در خدمت خوبی و نیکی باشد. لوکی... پیچیده بود.

-
1. Stan Lee
 2. Larry Liber
 3. Odin
 4. Loki
 5. Mythes of the Norsemen
 6. Roger lancelyn Green

در کنار این‌ها به این نیز پی بردم که ایزدان اسکاندیناوی به سرنوشت شومی دچار می‌شوند، به روگناراک، غروب ایزدان، پایان. ایزدان به نبرد غول‌های یخی می‌روند و همگی می‌میرند.

آیا پایان جهان، روگناراک^۱ رخ داده است؟ قرار است رخ بدهد؟ هنوز نمی‌دانم. الان هم به درستی نمی‌دانم.

واقعیت این بود که آن جهان و آن داستان پایان گرفته بود، آن هم پایانی که در آن گیتی ایزدان، غول‌های یخی و دیگران، قهرمان‌ها و ضدقهرمان‌هایی نظام و تراژیک از کار درآمدند. روگناراک، پایان جهان باعث شد تا آن‌های اسکاندیناوی در من به شکلی روان و پویا ماندگار بمانند، این در حالی است که دیگر نظام‌های باورمندانه که اسناد آن‌ها بیشتر و بهتر باقی مانده‌اند، انگار که برای منشی از گذشته هستند، چیزهایی کهنه. اسطوره‌های اسکاندیناوی، اسطوره‌های سرزمین‌های سرد هستند با شب‌های زمستانی خیلی خیلی طولانی و روزهای تابستانی بی‌پایان، اسطوره‌های مردمی که هرگز کاملاً به کس اسناد نمی‌کردند، حتی به ایزدان خودشان، اگر چه از آن‌ها می‌ترسیدند و به آن‌ها احترام می‌گذاشتند. بهترین گمان ما این است که ایزدان آسگارد از آلمان آمدند و در اسکاندیناوی گسترش یافتند و بعد به بخش‌هایی از جهان که وایکینگ‌ها^۲ تصرف کردند راه یافتند، به جزیره‌ی اورکنی^۳ اسکاتلند و سرزمین اسکاتلند، ایرلند و شمال انگلستان، جایی که این مهاجمان نام‌آدین و تور را بر بخش‌هایی از آن سرزمین‌ها نامگذاری کردند. در زبان انگلیسی این

1. Ragnarok

2. Vikings

3. Orkney

ایزدان نام‌شان را بر روزهای هفته باقی گذاشتند. شما به راحتی می‌توانید نام تیر^۱ یک دست، اُدین، تور و فریگ^۲ شهبانوی ایزدان را به ترتیب در نام‌های انگلیسی سه‌شنبه^۳، چهارشنبه^۴، پنج‌شنبه^۵ و جمعه^۶ ببینید.

ما می‌توانیم در داستان‌های جنگ و آشتی میان ایزدان وانیر^۷ و آسیر^۸ دی از اسطوره‌ها و آیین‌های کهن‌تر را بیابیم. به نظر می‌رسد وانیرها ایزدان طبیعت بوده‌اند، برادران و خواهرانی که چندان جنگ طلب نبودند، ولی این به آن می‌نویسند که در نیرومندی از آسیرها کمتر باشند.

این احتمال قوی وجود دارد و یا حداقل این فرضیه سودمند است که برخی از قبایل وانیرها را می‌پرستیده‌اند و برخی قبیله‌ها هم آسیرها را و در ادامه پرستش‌کنندگان آسیرها به سرزمین پرستش‌کنندگان وانیرها یورش برده‌اند و بعد با هم سریش آشتی کرده‌اند. ایزدان وانیر همچون فرای^۹ و فرایا^{۱۰} که برادر و خواهر بوده‌اند به آسگارد رفته و با ایزدان آسیر زندگی کرده‌اند. تاریخ، اسطوره، مذهب و آیین را هم می‌آمیزند و ما غرق در اندیشه، تصور می‌کنیم و حدس می‌زنیم و چون کار آگاهانی که جزئیات یک جنایت فراموش شده را بازسازی می‌کنند.

داستان‌های زیادی از اسکاندیناوی وجود داشت که در دست ما نیست، آنچه نمی‌دانیم بسیار است. آنچه داریم برخی اسطوره‌های است که در

-
1. Tyr
 2. Frigg
 3. Tuesday
 4. Wednesday
 5. Thursday
 6. Friday
 7. Vanir
 8. Aesir
 9. Frey
 10. Freya

شکل داستان‌های بومی و ملی و نیز در واگویی‌های داستانی، شعرها و نثرها به ما رسیده است. این اسطوره‌ها وقتی نوشته شدند که مسیحیت گسترش یافته و جایگزین پرستش ایزدان اسکاندیناوی شده بودند، برخی از این داستان‌ها به این دلیل به ما رسیده است چون این نگرانی وجود داشته که اگر از این داستان‌ها نگهداری نشود برخی کنینگ‌ها - یک صنعت شاعرانه که به یادآوری ویژه‌ای در اسطوره‌ای ویژه اشاره دارد - معنی خود را از دست می‌دهند؛ برای مثال اشک فرایا یک شیوه‌ی شاعرانه برای بیان کلمه‌ی «طلا» است. در برخی از داستان‌ها ایزدان اسکاندیناوی به عنوان انسان‌ها یا شاهان یا قهرمانان کهن توصیف شده‌اند تا بتوانند در جهان مسیحی بازگو شوند. برخی داستان‌ها و شعرها نیز وجود دارند که در خود داستان‌های دیگری دارند و یا به داستان‌های دیگری اشاره می‌کنند که به دست ما نرسیده است.

شاید بتوان گفت حجم داستان‌های کهنی که از اسکاندیناوی کهن به دست ما رسیده برابر با حجم داستان‌های تزه^۲ و هرکول^۳ از تمامی مجموعه داستان‌های ایزدان و نیمه‌ایزدان یونان و روم است.

اسکاندیناوی ایزدبانوهای بسیاری داشته است. ما نام‌ها و برخی ویژگی‌ها و نیروهایشان را می‌دانیم، ولی داستان‌ها، اسطوره‌ها، آیین‌های آن‌ها به ما نرسیده است. ای کاش می‌شد داستان‌های اییر^۴ را بگوییم. چون این ایزدبانو پزشک ایزدان بوده است، یا داستان‌های لافن^۵ آرامش‌بخش به ایزدبانو

1. Kenning

در این فن شاعرانه یک واژه ترکیبی جانشین یک واژه ساده دیگر می‌شود و معمولاً در اشاره به رویدادی برجسته به کار می‌رود، برای اشک فرایا و یا موهای سیف یعنی همان طلا.

2. Theseus

3. Hercules

4. Eir

5. Lofen

زناشویی در اسکاندیناوی بوده است، یا داستان‌های اسجافن^۱ ایزدبانوی عشق و بیشتر از همه وور^۲ ایزدبانوی خرد. می‌توانم داستان‌هایی را تصور کنم ولی نمی‌توانم آن‌ها را بگویم. آن‌ها گم شده‌اند، مرده‌اند و فراموش شده‌اند.

تلاش می‌کنم تا این اسطوره‌ها و داستان‌ها را به دقیق‌ترین و جذاب‌ترین شکلی که می‌توانم بازگو کنم.

گاهی بنیات این داستان‌ها با هم در تضاد قرار می‌گیرند. ولی امیدوارم که بتوانم تصویری از یک جهان و یک زمان نمایش دهم. وقتی این داستان‌ها را از کم می‌کنم تلاش می‌کنم که خودم را در سالیان بسیار دور تصور کنم، در زمین‌هایی که این داستان‌ها برای نخستین بار گفته شده است، شاید در آن شب‌های زمستانی بلند، زیر آن نورهای شمالی، در چند ساعت دورهمی در فضایی بر، یا در نور روزهای بی‌پایان میانه‌ی تابستان، با شنونده‌هایی که می‌خواهند بدانند تور به کاهای دیگری کرده است، رنگین‌کمان چیست، چگونه باید زندگی کند در مرهای خوب و بد از کجا می‌آید.

وقتی داستان‌ها را تمام کردم و بطور پیاپی آن‌ها را خواندم، شگفت‌زده شدم، دیدم که حس یک سفر را دارد، سفری از یخ و آتش که با آن جهان آغاز می‌شود تا به یخ و آتشی که پایان جهان است. در این جا با کسانی دیدار می‌کنیم و می‌دانیم که باز آن‌ها را دیدار می‌کنیم و نیز با کسانی دیدار می‌کنیم که دوست داریم بیشتر از آن‌ها بدانیم - یکی از آن‌ها برای

من انگر بودا^۱، همسر لوکی است که یکی از غول‌هاست و فرزندان هیولایی لوکی را می‌زاید و پس از کشته شدن بالدِر^۲ در شکل یک روح حاضر می‌شود.

جرات نداشتم تا دوباره سراغ آن داستان گوهایی بروم که کارهایشان را خیلی دوست دارم، کسانی مثل راجر لانسِلین گرین^۳ و کوین کروسلی-هال^۴، خواستم تا آن‌ها را بازخوانی کنم. به جای آن سراغ ترجمه‌های گوناگونِ اِدا^۵ و اِدا^۶ منظوم^۷ اسنوری استورلسون^۸ رفتم که نهصد سال پیش نوشته شده است، آنچه را برای بازگویی می‌خواستم و چگونگی آن را از دو کتاب برگزیدم و نسخه‌های گوناگون اسطوره‌ها را در هم آمیختم. برای نمونه سوهیم^۹ بازگویی من از دیدار تور از هیمیر^{۱۰} یک بازگویی پیوندی است: آغاز داستان از اِدا^{۱۱} منظوم است و بعد جزئیات ماهیگیری تور را از نسخه‌ی اسنوری برداشتم.

نسخه‌ی قدیمی و داغان من از فرهنگ واژگان اسطوره‌شناسی شمالی^{۱۲} نوشته‌ی رودلف سیمک^{۱۳} و ترجمه‌ی آنجلا هال^{۱۴} همیشه برایم دارای اطلاعات ارزشمندی بوده است و به من درکی عمیق داد و از آن کمک بسیاری گرفتم.

1. Angrboda

2. Balder

3. Roger Lancelyn Green

4. Kewin Crossley-Holland

5. Prose Edda

6. Poetic Edda

7. Snorri Sturluson

8. Hymir

9. A Dictionary of Northern Mythology

10. Rodelf Simek

11. Angela Hall

برای ویراستاری سپاس بسیاری از دوست قدیمی خودم آلیسا کویتنی^۱ دارم. او یک گوش شنوای خوب بود که نظرش را رک و راست و محکم می‌گفت.

بسیار کمک‌کننده، حساس و باهوش بود. او عامل نوشتن این کتاب بود بیشتر فقط به این خاطر که دوست داشت داستان بعدی را بخواند و به من کمک کرد تا زمان کافی برای نوشتن داشته باشم. بسیار سپاسگزارش هستم.

از استانی منتیس^۲ ممنون هستم که با چشم تیزبین همچون عقاب و شناخت بی‌درش از اسکاندیناوی به چیزهایی که شاید از آن غفلت کرده بودم اشاره کرد.

از ایمی چری^۳ سپاسگزارم که هشت سال پیش در روز تولدم به من پیشنهاد کرد تا چند تا از داستان‌های اسکاندیناویایی را سر میز ناهار تعریف کنم، کسی که با دیدگاه گسترده‌اش صبرترین ویراستار در همه‌ی جهان است.

همه‌ی اشتباه‌ها و نظرهای عجیب و برداشت‌های نادر گام این کتاب، تنها و تنها از من است و نمی‌خواهم کس دیگری به آن سرزنش شود. امیدوارم در حالی که از خلاقیت و لذت داستان‌گویی بهره‌برده‌ام این داستان‌ها را به درستی بازگو کرده باشم.

لذت اسطوره‌ها در همین است. تلاش کنید که خودتان آن‌ها را بگویید، من شمای را که هم اکنون مشغول خواندن این کتاب هستید، به گرمی به

1. Alisa Kwitney

2. Stephanie Montiet

3. Amy Cherry

این کار تشویق می‌کنم. داستان‌های این کتاب را بخوان، بعد آن‌ها را از آن خود کن، و بعد در یک غروب سرد و تاریک زمستانی یا در یک شب زمستانی برای دوستانت تعریف کن که وقتی پتک تور را از او دزدیدند چه شد، یا اُدین چگونه باده‌ی شعر را برای ایزدان به دست آورد...

نیل گایمن^۱

لیسون گرو^۲، لندن^۳

می ۲۰۱۶